

## در دفاع از سوسیالیسم (۱۲) وداع با گذشته و آرمان های بنیان گذاران سازمان

### جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

• به فاصله سه روز دو اطلاعیه از طرف هیأت سیاسی- اجرایی و دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافت که هر دو هدف واحدی را دنبال می نمودند؛ "وداع با گذشته و آرمان های بنیان گذاران سازمان" ...

اخبار روز: [www.iran-chabar.de](http://www.iran-chabar.de)

دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ - ۱۹ می ۲۰۰۸

در تعطیلات نوروزی و به فاصله سه روز دو اطلاعیه از طرف هیأت سیاسی- اجرایی و دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافت. علیرغم تفاوت موضوعات آن دو اطلاعیه هر دو هدف واحدی را دنبال می نمودند؛ "وداع با گذشته و آرمان های بنیان گذاران سازمان"

بیانیه اول در هفتم فروردین و در پاسخ به نامه مادران که پس از دو ماه - علت تأخیر عدم دستیابی به اسامی نویسندگان نامه ذکر گردیده است- به روی سایت ها رفت. این پاسخ در حقیقت مانیفست جریان حاکم و یا بهتر است بگوئیم ائتلاف حاکم بر رهبری سازمان بود. این جوابیه طولانی که حداقل پنج برابر نامه کوتاه مادران بود، با رد ادعای مادران و جانباختگان فدایی مبنی بر "فاصله گرفتن از آرمان های سوسیالیستی" و "مبارزه طبقاتی" به تشریح دیدگاه های حاکم بر سازمان پرداخته است. در این نوشته شرح مبسوطی از آنچه که سازمان از آن فاصله گرفته ارائه گردیده، متأسفانه در بیان آنچه جایگزین دیدگاه های محذوف گشته به کلیاتی بسنده شده است. در این پاسخ ضمن مرزبندی با سوسیالیسم واقعاً موجود کوچکترین نشانی از محتوا و مضمون سوسیالیسمی که قرار است جایگزین آن گردد، دیده نمی شود.

نقدی که متعاقب این نوشته توسط آقای فریدون احمدی انتشار یافت، خیلی از ناگفته ها رهبری را با صراحت قابل تقدیری بیان و بقولی زحمت شورای مرکزی را منقلب شد. ایشان براسستی با تأکید بر پوپولیسم حاکم بر رهبری و ترس از برآمد چپ جوانان داخل کشور علت کتمان واقعیت ها را نه باورهای متفاوت حاکم بر رهبری سازمان با سوسیال دمکرات ها، بلکه ناشی از علل ذکر شده می داند. پاسخ دبیر خانه شورای مرکزی و مسئول هیأت سیاسی- اجرایی سازمان به نوشته ایشان، نتوانسته و یا نخواسته است دلایل مستند و قابل قبولی در رد ادعا های فریدون احمدی ارائه نماید، بلکه عملاً در تأیید ضمنی ادعاهای وی از آب در آمد. البته پاره ای از حقایق تلخ را می توان از دل آن دو بیرون کشید.

متأسفانه در این جوابیه طولانی بقول رفیقی از "همه چیز گفته اند تا از هیچ چیز نگویند." بیش از ۵۰٪ در صد نامه مادران به موضوع اعدام های دهه ۶۰ مربوط می گردید، که رهبری سازمان در آن سال ها را به موارد زیر متهم می نماید:

- کم کاری در آموزش کادرها و کاربست سیاست های متناسب با شرایط حاکم برای پیش گیری و کاستن از شدت ضربات.

- درگیری های حاکم بر رهبری و یارگیری های غیردمکراتیک که موجب هدر دادن توان سازمان و تشدید ضربات

وارد شد.

- عدم واکنشی متناسب با ابعاد فاجعه ملی و توان سازمان، در مورد دستگیری و زندانی کردن، شکنجه و ممنوع الملاقات نمودن رفقای سازمانی.

- قصور در روشننگری و آگاهی رسانی به جامعه جهانی و داخلی از شرایط سرکوب و اختناق حاکم بر میهن مان.

- بی تفاوتی در مورد خواست خانواده های قربانیان برای تنظیم دادخواست حقوقی و ارائه آن به مجامع و دادگاه های بین المللی.

ازکل نامه چندین صفحه ای هیأت سیاسی- اجرایی تنها یک پاراگراف آنهم در حدود ۶٪ از حجم نامه به این مسئله پرداخته است. و در اندک جوابیه ای هم که به این موضوع مربوط می شود، بشکلی گنگ و سربالا اعلام نموده اند که "بررسی علل و عوامل ضربات سال ۶۵ در دستور کار ما قرار دارد." رفقای رهبری ما بررسی این موضوع را پس از ۲۳ سال باز هم به آینده ای نامعلوم حواله کرده اند. آنها به قطعنامه ای اشاره نموده اند که در کنگره نخست سازمان بتصویب رسید و براساس آن کمیسیونی انتخاب گردید تا با بررسی اسناد سازمانی "علل و عوامل ضربات سال ۶۵" را مشخص سازد. ولی از بیان اینکه سرانجام این کمیسیون چه شد؟ و چرا پس از ۱۹ سال نتیجه بررسی های آنان هنوز منتشر نشده است؟ سخنی به میان نمی آورند. بهتر بود دوستان ما واقعیت ها را صادقانه با مادران جانبختگان فدایی و اعضاء و هواداران در میان می گذاشتند، و می گفتند که رفقای عضو کمیسیون پس از ماه ها تلاش و کوشش بعلت عدم همکاری کمیته مرکزی پیشین و شورای مرکزی منتخب کنگره اول- که در حقیقت سایه ای از کمیته مرکزی پیشین بود- نتوانستند به این اسناد دست یابند. رهبران قبلی که متهمین اصلی پرونده ضربات سال ۶۵ بشمار می رفتند، از ارائه اسناد به کمیسیون منتخب کنگره اول سرباز زده و بنوعی آنان را سر کار گذاشتند. آنها پس از ماه ها بازی دادن این رفقا با تمسخر اعلام نمودند، که "اسناد مزبور از گاو صندوق های سازمان در تاشکند به سرقت رفته است!!!" رفقای رهبری سازمان فراموش کرده اند که کمیسیون فوق بعلت استعفاي اکثر رفقای عضو آن سازمان- دقت شود استعفاء از سازمان نه از کمیسیون - آن کمیسیون دیگر وجود خارجی ندارد، و هیچ وقت هم نتایج تحقیقات آن منتشر نخواهد شد.

رهبری سازمان اعلام نموده برخلاف خواست عده ای از اعضاء سازمان همکاری و برخاً اتحاد با بخش هایی از حاکمیت را دنبال نمی نماید و از حرکت عده ای از اعضاء سازمان هم که در نشست سلطنت طلبان شرکت کرده اند، اعلام برائت نموده است. در ادامه هم اضافه نموده اند "جائی که اعضاء به اقدامی سیاسی مغایر با مواضع سازمان دست می زنند، با برخورد ارگان های سازمانی روبرو می شوند. برخوردی که در این مورد هم انجام گرفته است." طبیعتاً رفقای ما به مادران جانباخته گان و اعضاء و هواداران و دوستان سازمان حق می دهند که از چند و چون برخوردهای رهبری سازمان با کسانی که حیثیت و اعتبار فدائیان خلق را لگد مال نموده اند، آگاه شوند. آنها می خواهند مقایسه کنند این رفتار را با برخوردهای انجام گرفته با فراکسیون کمونیستی سازمان که - بقول خودشان یک نفر است- و تنها سائیتی را به این نام راه اندازی کرده است.

هرچند که هیأت سیاسی- اجرایی از بیان خیلی از باورهای خود امتناع نموده ولی بحق که آقای فریدون احمدی از ادای این وظیفه بخوبی برآمده است. ایشان با رد سوسیالیسم بعنوان نظامی اجتماعی، از آن تنها بعنوان نظامی ارزشی یاد می کند و با رد مبارزه طبقاتی صراحتاً هر آنچه را از آرمان های بنیان گذاران سازمان که دیگر به آن باور ندارد را بر می شمارد. ولی از بیان این موضوع که بحق مورد سوال آقای بهروز خلیق هم قرار گرفته، چرا در طی ۱۸

سال حضور خود در شورای مرکزی سازمان از پیگیری آن مصوبه کنگره در معرفی "علل و عوامل ضربات سال ۶۵ کوتاهی نموده است" خودداری می کند. البته این مختص ایشان نیست، تمامی جناح های حاکم بر رهبری سازمان – که انگشت اتهام بسوی آنهاست- در توافقی نانوشته برای کتمان وقایع تلخ کشتارهای دهه ۶۰ و بخصوص تابستان و پاییز ۶۷ اتفاق نظر دارند. البته در این رابطه انگشت اتهام بیشتر از همه متوجه شخص فرخ نگهدار دبیر اول سازمان در آن ایام می باشد. متأسفانه کسی را از اعضای شورای مرکزی انگیزه و یارای بیان واقعیت های تلخ آن سالها نیست. صاحبان قدرت، حاکم بر سازمان در سه دهه گذشته با کاربست ترفندهای مختلف از بیان این مسائل جلوگیری نموده و مخالفین "عالی جناب سرخ پوش" را به حیل مختلف از سازمان دک و یا موجبات خروج شان را فراهم ساخته اند. سیاستی که با رفیق هادی شروع شد و با مدنی، معینی، هلیل رودی و ... ادامه یافت و اینک در مورد رفقای فراکسیون کمونیستی دنبال می شود.

سازمان مدعی است که در چارچوب تشکیلاتی خود پلورالیسم را پذیرفته و طبعاً نمی تواند سازمان بسته ای باشد که از آن یک صدا برخیزد و دیگر گرایش های سیاسی خاموش بمانند. اعضاء سازمان در بیان نگرش ها و دیدگاه های خود از حق انتشار و تبلیغ نظرات شان برخوردارند. اگر این ادعا را مقایسه کنیم با فشار رهبری سازمان برای تعطیلی "سایت یاران ما" که سائیتی است دارای شناسنامه و با هویت مشخص، با آزادی بی قید و شرط غیرکمونیست ها و ضدکمونیست های سازمان که هر کدام سایت بی شناسنامه ای را مالک اند و از ده ها سایت هم سوی خود برای انعکاس نظرات شان استفاده می کنند. آنگاه به صداقت نویسندگان بیانیه بیشتر واقف خواهیم شد. رفقا؛ این سیاست یک بام و دو هوا را نمی توان توجیه نمود، ما قسم حضرت عباس را قبول کنیم یا دم خروس را.

رهبری سازمان ما مدعی است که از سوسیالیسم روی برنرفته و همچنان به مبارزه طبقاتی اعتقاد دارد. و پس از شکست "سوسیالیسم واقعاً موجود" در شوروی بر خلاف برخی از نیروهای چپ که "از اندیشه سوسیالیستی فاصله گرفتند، سرمایه داری را کشف کردند و به ستایش آن پرداختند." آنها راه دیگری را انتخاب کرده اند. اولاً بهتر بود مشخص می کردند بغیر از ما کدام نیروی مطرح چپ، سرمایه داری را کشف نموده. اگر صادقانه بگویم پای هیچ یک از جریانات چپ کشورمان به اندازه ما به لجن زار سرمایه داری فرو نرفته است. در ثانی مگر روز روشن، در جلوی چشمان مسئول هیأت سیاسی- اجرایی شورای مرکزی و در برابر اعضاء و هواداران سازمان، در مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن در سوئد، آقای فرخ نگهدار با بیان اینکه "بازار آزاد و نظام سرمایه داری به روش دمکراتیک نشان می دهند که هم مدرن است و هم رسالت گسترش تمدن را به جهان دارد." به صراحت از سرمایه داری دفاع نمی کنند؟ دفاعی جانانه از سرمایه داری و نئولیبرالیسم، متأسفانه صدای اعتراضی از مسئول محترم سازمان بر نمی آید. این امر چنان واضح و آشکار است که نیازی به هیچ توضیح ندارد. تنها نمی توان به افرادی چون فریدون احمدی خرده گرفت و دانه درشت هایی چون نگهدار را از قلم انداخت. مگر آنکه بپذیریم بر خلاف فریدون احمدی، فرخ نگهدار از رانته بهره مند است که دیگران از آن محرومند.

رفیق بهروز خلیق نباید معترض شیوه کار فریدون احمدی بعنوان شیوه ای غیر حزبی باشد. باید به ایشان یاد آور شویم که رفیق؛ اساساً حزبی وجود ندارد که ایشان خود را مقید به رعایت کار حزبی نماید. حزب سیاسی اساساً برای تحقق منافع طبقه ای یا طبقاتی از طبقات اجتماع شکل می گیرد و مبارزه می کند. طبیعتاً در این مجموعه کسانی با سلیق مختلف و بادامنه تفاوت های غیر بنیانی می توانند حضور داشته باشند. ولی نمی توان مدافعین طبقات متخاصم را در زیر سقف یک حزب سیاسی گرد هم آورد. ادعای چنین امری حقیقتاً شیادی سیاسی است. رفقا؛ سازمان ما هم که مانند اکثر احزاب و سازمانها به تابلویی تبدیل شده، دارای ساختار حزبی نیست و بیشتر به یک محفلی اجتماعی و

یا حداکثر باشگاهی سیاسی شباهت دارد که گذشته ای مشترک اعضاء آن را به هم پیوند می دهد. این پیوند هم الزاماً پایدار نخواهد ماند. این ثبات نسبی با تلنگری در هم فرو خواهد ریخت. شما صدای شکستن یخ ها را نمی شنوید؟ ولی تا آن روز و تا تعریف مجدد از نحوه همکاری مان بیاید راه هایی برای همزیستی بیابیم بدون آن که هویت یکدیگر را نادیده انگاریم. چرا که ما وجوه مشترک فراوانی داریم تا بتوانیم حول آنها در چارچوب اتحاد چپ و با بعضی از یاران در چارچوب اتحاد دمکراتیک همکاری نمائیم.

بیانیه دوم در دهم فروردین و برای اعلام غیر قانونی بودن فراکسیون کمونیستی صادر شد. رهبری سازمان که زمانی بعلت عدم تدوین موازین فعالیت فراکسیون ها خواهان توقف فعالیت فراکسیون کمونیستی و سایت یاران ما بود. این بار با تصویب مصوبه ای یکجانبه، خلاف ضوابط، نارسا و متناقض آن هم مطابق خواست و میل خود، و به ضرر تنها فراکسیون رسمی سازمان، موازین فعالیت فراکسیون هارا تدوین و برای اجرا ابلاغ نمود. قبول این ضوابط انتحار سیاسی است و عدم قبول آن روندی است که عملاً از مدت ها پیش آغاز شده، و سرانجام به حذف کمونیست ها از سازمان خواهد انجامید. رفقای هیأت سیاسی در دخمه ای در بسته ما را در انتخاب شکل مردن خود آزاد گذاشته اند، متأسفانه برای بهره جستن از نعمات آزادی اهدایی برای مردن تنها طنابی و حلقه ای در اختیارمان نهاده اند.

گذاشتن شرط کمیت با بستن درهای سازمان به روی کمونیست ها از ترفندهایی است که رفقای رهبری ما ابداع نموده اند. با حذف اعضاء داخل کشور حتا اگر هم تعداد اعضاء رسمی فراکسیون یک نفر باشد، لافل شما هم صادقانه کلاه خود را قاضی کنید، از هزاران عضو سازمان اینک چند نفر را در چارچوب تشکیلات خارج از کشور توانسته اید حفظ کنید؟ آیا تعداد اعضاء تشکیلاتی سازمان ما در خارج از کشور می تواند عددی سه رقمی باشد؟ که البته اعضاء مایل به حضور در کنگره های سازمان به نصف آنها هم نمی رسد. قبول کنید با این آمار حقیرانه دیگر سخن گفتن از کمیت بی معناست.

از طرفی دیگر رفقای داخل کشور که با تدبیر فرخ نگهدار از تشکیلات کنار گذاشته شده اند، پس از گذشت ۲۳ سال هم چنان بلا تکلیف اند. ما نمی توانیم درک کنیم با حذف این بخش از فدائیان از تشکیلات چه کسانی قرار است تصمیمات رهبران سازمان را در داخل کشور به مورد اجراء گذارد. مگر آنکه سازمان خود را تشکیلات خارج از کشور بداند، که هست. و کار در داخل کشور و در بین توده های مردم را از وظایف خود حذف نموده باشد. اگر صادقانه نقش و تأثیر سازمان مان را بر حوادث جاری کشور بسنجیم. باور کنید ما نیز هک چون دیگر جریانات چپ در عرصه عمل فرسنگ ها از توده های مردم عقب تریم. رفقا؛ چنین به نظر می رسد که شما کادرها، اعضاء و هواداران سازمان در داخل کشور را بمثابه سیاهی لشکر و پیاده نظام خود می انگارید، که مخیرید در مورد آنها و حتا زندگی شان تصمیم گیری کنید. همانگونه که در سال ۶۵ چنین کردید، و به کسی هم پاسخ گو نشدید. امروز هم با این پاسخ دادن تان مادران و خانواده های جانباخته گان آن سال ها را سرکار گذاشته اید.

رفقا؛ اگر حذف رفقای داخل کشور همچنان ادامه یابد و برای حضور فعال و تأثیر گذار فدائیان کمونیست سازمان در داخل و خارج از کشور مانع تراشی شود- همچون انحلال تشکیلات داخل کشور و غیر قانونی اعلام کردن فراکسیون کمونیستی- و ما هم نخواهیم صفوف سازمان را ترک کنیم، دوستان رهبری چه راه حلی را برای ما پیشنهاد می کنند؟ این که رفقای کمونیست ما در خارج از کشور چه تدبیری خواهند اندیشید، بعلت عدم شناخت کامل

ما از شرایط موجود آنها برای ما قابل پیش بینی نیست. ولی این راه حل الزاماً خروج از سازمان نخواهد بود. حتی اگر باز هم با اقدام ضد دموکراتیک مدعیان دموکراسی مواجه گشته و از سازمان کنار گذاشته شوند. چنین حرکتی موجب سوق دادن رفقای داخل کشور - تمامی طیف ها - به احیاء تشکیلات داخل خواهد گشت. البته همگی بر این امر واقفیم که احیاء تشکیلات در داخل بدون پشتیبانی رفقای خارج از کشور با ریسک بالایی همراه خواهد بود. رسیدن به راه حل مورد قبول و کاهش ریسک احیاء تشکیلات داخل بدون بهره مندی از مساعدت تشکیلات خارج نیازمند رایزنی و هم فکری زیادی است. هر چند که نباید در این امر عجله کرد، ولی نمی توان آن را تا زمانی نامعلوم به تعویق انداخت. در اینجا روی سخن خود را به شورای مرکزی و کنگره آتی سازمان می گیریم و اعلام می نمایم نباید انتظار داشته باشید که رفقای داخل کشور به حذف غیر دموکراتیک خود از حیات سازمان به تدبیر نامعقول رهبری و شخص شخص فرخ نگهدار تا ابد وفادار بمانند. تقصیر عمده ضرباتی که بعلت عدم درک این واقعیت، به رفقای داخل کشور که خواهان مشارکت در حیات سیاسی سازمان هستند وارد شود، به عهده شما خواهد بود.

ادامه روند نادیده انگاشتن حقوق رفقای داخل کشور و اتخاذ تصمیم های مبتنی بر حذف و محدود سازی علیه فراکسیون کمونیستی را اقدامی غیر دموکراتیک و تشنت زا و در راستای خواست سرمایه داری و استبداد حاکم ارزیابی می نمائیم. و رهبری سازمان را از وارد شدن در این بازی خطرناک برحذر می داریم.

از نامه مادران در تاریخ جنیش فدائیان بعنوان سندی ارزشمند و ماندگار یاد خواهد شد. پاسخ شورای مرکزی سازمان هم که به تبع نامه مادران به سندی تاریخی تبدیل می شود، متأسفانه نتوانست ارزش های مثبتی را در مخاطبین خود برانگیزاند. این پاسخ نقطه تاریکی را در تاریخ سازمان نقش بست.

رفقای رهبری؛ پاسخ به نامه مادران نتوانسته و یا نخواست است به سوالات و مسائلی که آنها طرح نموده اند. پاسخی شایسته و قابل قبول ارائه نماید. هر چند که اکثر آن ادعاها که به دادخواستی محترمانه علیه رهبران سازمان می ماند، در قطعنامه کنگره اول سازمان هم دیده می شود. ما نیز همراه با مادران و خانواده های جانبختگان فدایی و اعضاء و هواداران سازمان به انتظار می مانیم تا پاسخ و اقدامی شایسته را در زدودن این اتهامات شاهد باشیم.